

پیشه‌نگاری در هنر ایران (بررسی پیشه‌های بازنمایی شده در نگاره پادشاهی جمشید از مجموعه شاهنامه بایسنقری)*

(صفحه ۱۵۰-۱۴۲)

مجیدرضا مقنی پور^۱، اشکان رحمانی^۲

۱- استادیار و عضو هیات علمی دانشگاه شیراز، دانشکده هنر و معماری، بخش هنر (نویسنده مسئول)

۲- استادیار و عضو هیات علمی دانشگاه شیراز، دانشکده هنر و معماری، بخش هنر

چکیده

مطالعه آثار و دست‌ساخته‌های متنوع در ایران، ما را به این نتیجه رهنمون می‌سازد که بسیاری از حرف و فنون سنتی ایران از پیشینه‌ای کهن در این سرزمین برخوردار می‌باشند؛ اما امروزه به دلایل گوناگون کمتر اطلاعات مکتوب و دقیقی از فناوری و شیوه‌های تولید این محصولات در گذشته در دسترس می‌باشد؛ به همین دلیل استفاده از اسناد و منابع غیر مستقیم، گاه اطلاعات مفیدی را در این زمینه به دست می‌دهد. در این میان نگارگری ایرانی جدا از جنبه‌های فرمی و زیبایی‌شناختی آن، بارها توسط پژوهشگران به عنوان یک منبع اطلاعاتی و آگاهی‌بخش مورد استناد قرار گرفته است که به عنوان نمونه می‌توان به بازشناسی طرح و رنگ بسیاری از زیراندازها، نوع پوشش و البسه و تزیینات و متعلقات معماری در دوره‌های مختلف اشاره کرد. در این مقاله با هدف بازشناسی فنون و ابزارهای مرتبط با بعضی حرف رایج در گذشته این سرزمین، به‌ویژه در دوران تیموری، از مجموعه شاهنامه بایسنقری مربوط به سال ۸۳۳ هجری، نگاره «پادشاهی جمشید هفتصد ساله بود» مورد مطالعه قرار گرفته و پیشه‌های نمایش داده‌شده در آن به همراه ابزارها و فناوری‌های مرتبط با هر حرفه مورد بررسی قرار گرفته است. روش تحقیق توصیفی - تحلیلی می‌باشد و اطلاعات مورد نیاز از طریق منابع کتابخانه‌ای و اسنادی (تصاویر نگاره‌ها) گردآوری شده است.

واژه‌های کلیدی: پیشه، شاهنامه بایسنقری، نساجی سنتی، آهنگری، مفتول کوبی.

1- Email: moghanipour@shirazu.ac.ir

2- Email: rahmani.ashkan@shirazu.ac.ir

مقدمه

هنرپروری خاندان تیموری بیش از هر جای دیگر در هرات جلوه‌گر شد. بایسنقر میرزا پس از آن که به فرمان شاهرخ حکومت هرات را به دست گرفت، کتابخانه - کارگاه بزرگ خود را در این شهر برپا کرد. او که شاهزاده‌ای خوش ذوق و با استعداد و هنرپروری فرهیخته بود، برجسته‌ترین استادان زمان را از سراسر ایران در دربار خویش گرد آورد. در میان اینان، نام‌هایی چون جعفر تبریزی (خوشنویس و سرپرست کتابخانه)، قوام‌الدین (مجلد و مذهب)، پیراحمد باغشمالی، میرخلیل و خواجه غیاث‌الدین را می‌شناسیم. سلیقه ممتاز بایسنقر و مهارت کم‌نظیر این استادان در بهترین نمونه‌های کتاب‌نگاری سده نهم متجلی شد. نگارگر زمان بایسنقر در ادامه نگارگری عهد اسکندر سلطان به یک سبک رسمی و قانونمند دست یافت که نمود بارز آن را در تصاویر شاهنامه مشهور به بایسنقری (۸۳۳ هجری قمری) می‌توان دید (پاکباز، ۱۳۸۸: ۴۱). شاهنامه بایسنقری در میان شاهنامه‌های مصور و آراسته موجود در کتابخانه‌ها و موزه‌های جهان، یکی از نامورترین و شناخته‌شده‌ترین آن‌هاست. چند ویژگی این کتاب را از نسخه‌های مشهوری چون شاهنامه دموت و شاهنامه شاه طهماسبی که قبل و بعد از آن پدید آمده‌اند، برتری می‌بخشد؛ شاهنامه بایسنقری نسخه‌ای کامل و دست‌نخورده در میان شاهنامه‌های مشهور به شمار می‌آید. این نسخه به لحاظ زیبایی و آراستگی نیز در نوع خود کم‌نظیر است. نگارگری، تذهیب، تجلید و دیگر آرایه‌های کتاب با استادی تمام انجام گرفته است، هم‌چنین از امتیازات دیگر این نسخه وجود مقدمه‌ای است که برای نخستین بار بر این شاهنامه افزوده شده است (حسینی‌راد، ۱۳۸۴: ۳۹).

شاهنامه بایسنقری به قطع رحلی، ۲۶ در ۳۸ سانتی‌متر، شامل ۷۰۰ صفحه می‌باشد؛ مطابق اطلاعات خاتمه‌الکتاب، این نسخه در سال ۸۳۳ هجری قمری تکمیل و تذهیب شده است. این شاهنامه مشتمل بر ۲۲ نگاره ارزشمند است که از حیث ترکیب‌بندی و آرایش اجزا، اوج مکتب نگارگری تیموری در قرن نهم هجری قمری را به نمایش می‌گذارد و الهام‌بخش بسیاری در دوره تیموریان و پس از آن بوده است (حسینی‌راد، ۱۳۸۴: ۳۹)؛ اما بررسی و مطالعه برخی از

نگاره‌های این مجموعه نفیس، جدا از منظر فرمی و زیبایی شناختی، به لحاظ موضوعی نیز با اهمیت می‌باشد. افراد با پوشش‌های متنوع، صحنه‌ها، ابزار و آلات، فضاهای اندرونی و بیرونی، همه مواردی است که در بسیاری از این نگاره‌ها قابل مشاهده است و گاه همین بازنمایی‌ها اطلاعات مفیدی در خصوص جوامع گذشته و محصولات آن به دست می‌دهد. یکی از شاخص‌ترین نگاره‌های این مجموعه که به ویژه به لحاظ موضوعات به‌نمایش درآمده در آن حائز است، نگاره «پادشاهی جمشید هفتصد ساله بود» می‌باشد. اهمیت این نگاره جدا از جنبه‌های زیبایی‌شناختی، به دلیل بازنمود مجموعه‌ای از پیشه‌های رایج زمان خلق این اثر است که برخی از این پیشه‌ها و فناوری‌های متعلق به آن‌ها با جزئیات دقیقی به قلم درآمده‌اند. روش تحقیق در این پژوهش توصیفی - تحلیلی می‌باشد و اطلاعات مورد نیاز از طریق منابع کتابخانه‌ای و اسنادی (تصاویر نگاره‌ها)، گردآوری شده است.

پیشینه تحقیق

اصلی‌ترین مسئله این پژوهش کندوکاو در نگاره‌ها برای دستیابی به اطلاعاتی در خصوص برخی پیشه‌ها و فنون رایج در زمان خلق اثر می‌باشد، از پیشینه‌های پژوهشی مرتبط با این مسئله می‌توان به موارد زیر اشاره داشت:

مجبایی و فنایی (۱۳۸۹) در مقاله خود به مطالعه و بازکاوی صنعت دستریسی در نگارگری ایرانی سده نهم تا یازدهم پرداخته‌اند. در این پژوهش، برای شناسایی ویژگی‌های تولید نخ مورد نیاز صنعت نساجی در سده‌های پانزدهم/ نهم تا هفدهم/ یازدهم ۲۲ اثر نگارگری از نگارگران بزرگ آن دوره که در آن‌ها تصویری از ریسندگی به کار رفته بود، از منابع مختلف جمع‌آوری و پس از بررسی و تطبیق آن‌ها با ویژگی‌ها و خصوصیات فنی موجود از صنعت دست ریزی، نسبت به نتیجه‌گیری اقدام شده‌است. بر مبنای یافته‌های این پژوهش نگارگران در آثار خود با دقت و ظرافت قابل ملاحظه‌ای ضمن تصویرکردن اجزای مختلف دوک و چرخ نخریسی، به منبع تأمین الیاف مورد نیاز برای ریسندگی و تفاوت‌های فنی استفاده از الیاف مختلف برای رشتن آگاهی کامل داشته و آن را در آثار خود به نمایش درآورده‌اند. انواع مختلف دوک و

را به خود اختصاص داده است. این کادر که دارای هفت ستون ۱۶ و ۱۴ مصرعی با خط نستعلیق می‌باشد در قسمت بالای نگاره قرار گرفته است، در پایین ستون‌های سوم و چهارم، کادری مستطیل‌شکل با رنگ‌بندی متفاوتی قرار گرفته که درون آن عبارت «پادشاهی جمشید هفتصدساله بود» با خط ثلث و با تزیینات فراوان نگاشته شده است.



تصویر ۱: نگاره پادشاهی جمشید از مجموعه شاهنامه بایسنقری (حسینی‌راد، ۱۳۸۴: ۴۲).

در قسمت پایین اثر که فضای اصلی نگاره می‌باشد، ۱۵ پیکره در حالت‌های مختلف به نمایش درآمده است که البته این ازدیاد و فشردگی پیکره‌ها، یکی از ویژگی‌های نگاره‌های این مجموعه می‌باشد؛ به طوری که در برخی از آثار رزمی شاهنامه بایسنقری بیش از ۵۰ پیکره (به صورت کامل یا جزئی) قابل شناسایی می‌باشد؛ اما آن‌چه بیش از خود پیکره‌ها در این نگاره جلب توجه می‌کند، اموری است که پیکره‌ها به آن مشغولند؛ به غیر از پنج پیکره که پادشاه و ملازمانش را به نمایش گذاشته و با لباس‌های سبز و قرمز در بالای تصویر و زیر کادر خوشنویسی قرار گرفته‌اند، ده پیکره دیگر هر یک به حرفه و کاری مشغولند؛ از آماده‌نمودن نخ برای بافت گرفته

چرخ نخ‌ریسی نیز بسته به موقعیت و فضای اجتماعی موضوع نقاشی، در آثار موجود به کار رفته است.

علی‌حضوری (۱۳۷۶) در کتاب «فرش بر مینیاتور» به بازیابی طرح‌ها و نقوش فرش در آثار نگارگری ایران پرداخته است. وی در این پژوهش ضمن اشاره به این نکته که تا قبل از دوران تیموری نمی‌توان فرش‌های نقش شده بر نگاره‌ها را بازتابی از فرش‌های موجود در آن دوران دانست به بازطراحی برخی از طرح‌ها و نقوش فرش از دوران تیموری و صفوی با استناد به تصویر آن‌ها در نگاره‌ها پرداخته است.

سلطان‌زاده (۱۳۸۷) در پژوهش خود تحت عنوان «فضاهای معماری و شهری در نگارگری ایرانی» تلاشی ارزشمند در جهت کشف فضاهای تخریب‌شده معماری و شهری بر پایه آثار نگارگری به انجام رسانده است؛ نکته حائز اهمیت در این پژوهش آشکارسازی تحولات سبک‌شناختی معماری در نگاره‌های دوره‌های مختلف است.

همچنین آرام‌نیا (۱۳۹۴) در پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد خود به بررسی آثار و صنایع چوبی تصویر شده در نگاره‌های شاهنامه شاه‌طهماسبی پرداخته و آن‌ها را به لحاظ کارکرد، تکنیک و تزیینات، مورد تجزیه و تحلیل قرار داده است.

روش تحقیق

روش تحقیق در این پژوهش توصیفی - تحلیلی می‌باشد. اطلاعات مورد نیاز از روش کتابخانه‌ای و اسنادی (تصاویر) جمع‌آوری شده است؛ تجزیه و تحلیل اطلاعات نیز به صورت کیفی می‌باشد که در روند آن با بررسی و مطالعه دقیق نگاره مورد بحث، شاخصه‌ها و ویژگی‌های حرف به تصویر درآمده و ابزارهای مرتبط با آن‌ها شناسایی و با اطلاعات و اسناد موجود از این پیشه‌ها تطبیق داده شده است.

معرفی نگاره پادشاهی جمشید

نگاره «پادشاهی جمشید هفتصد ساله بود» که با عنوان «پادشاهی جمشید» هم شناخته می‌شود یکی از نگاره‌های پرکار از مجموعه شاهنامه بایسنقری می‌باشد که هنرمند آن نامعلوم می‌باشد. نکته‌ای که در نگاه اول به این اثر جلب توجه می‌کند، حضور کادر خوشنویسی است که تقریباً نیمی از نگاره

بر روی دستگاه سوار می‌شود (وولف، ۱۳۷۲: ۱۷۹)؛ ولی نخ‌های پود می‌بایست بر روی قرقره‌های چوبی به طول ۱۵ تا ۲۰ سانتی‌متر با عنوان «ماسوره» منتقل شده و سپس داخل ماکو قرار بگیرند تا به‌وسیله آن بتوانند از میان نخ‌های تار عبور داده شوند. کار انتقال نخ‌های پود بر روی ماسوره توسط چرخ نسبتاً ساده‌ای با نام چرخ ماسوره‌نخ‌کنی یا ماسوره‌ورکنی انجام می‌گیرد. شکل این دستگاه شباهت زیادی به چرخ نخ‌ریسی دارد و حتی بسیاری از چرخ‌های نخ‌ریسی قابلیت انجام ماسوره‌پیچی را نیز دارند؛ اما با توجه به این نکته که در نگاره مزبور این چرخ در کنار دستگاه نساجی تصویر شده و در کنار آن تعدادی ماسوره نخ‌شده نیز قابل مشاهده می‌باشد، به احتمال زیاد دستگاه نمایش داده‌شده، چرخ ماسوره‌پیچی می‌باشد.



تصویر ۳: دستگاه ماسوره‌پیچی (حسینی‌راد، ۱۳۸۴: ۴۲).

این دستگاه از دو محور گردان تشکیل شده است؛ یکی از این محورها چرخ نسبتاً بزرگی به قطر حدوداً ۴۰ سانتی‌متر می‌باشد و محور دوم از یک میله تشکیل شده که قطر آن به اندازه سوراخ دورن ماسوره می‌باشد؛ به طوری که وقتی ماسوره بر این میله سوار شد نتواند به صورت مستقل چرخشی داشته باشد. چرخ بزرگ دستگاه به‌وسیله یک ریسمان یا چرم به محور کوچک‌تر متصل است؛ به طوری که با چرخش چرخ

تا شکل‌دادن به فلز و تزئین آن، همه در فضایی محدود و کوچک به زیبایی به تصویر درآمده است؛ هم‌چنین فناوری‌ها و ابزارهای مرتبط با هر پیشه در کنار پیشه‌وران آن به تصویر درآمده است که از میان آن‌ها می‌توان به دستگاه نساجی و کوره آهنگری اشاره کرد. در ادامه این مقاله، به بررسی و واکاوی هر یک از این پیشه‌ها و نیز فناوری و ابزارهای به نمایش درآمده در نگاره پرداخته می‌شود.



تصویر ۲: پیکره‌های نگاره «پادشاهی جمشید» (حسینی‌راد، ۱۳۸۴: ۴۲).

معرفی پیشه‌های باز نمود شده در نگاره

پیشه‌ها، فناوری‌ها و ابزارهای به‌نمایش درآمده در نگاره پادشاهی جمشید را می‌توان بر مبنای ماهیت حرفه‌ها و مواد اولیه مصرفی به دو دسته، پیشه‌های مرتبط با بافت و دوخت پارچه و موارد مرتبط با شکل‌دهی و تزئین فلزات طبقه‌بندی نمود که دسته اول شامل آماده‌سازی الیاف پود، بافت پارچه و در نهایت برش و دوخت آن می‌باشد و در دسته دیگر پیشه‌های آهنگری و مفتول‌کوبی قرار می‌گیرند.

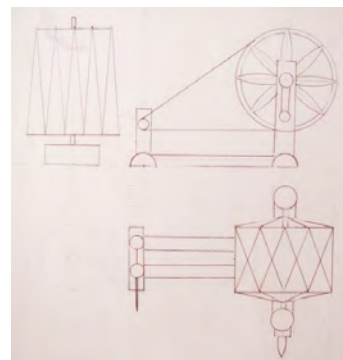
آماده‌سازی نخ‌های پود (ماسوره‌پیچی)؛ یکی از پیشه‌هایی که در ارتباط با بافت و دوخت پارچه بوده و در نگاره مذکور و در گوشه بالا، سمت چپ بازنمایی شده‌است، مربوط به آماده‌سازی نخ‌های پود می‌باشد که اصطلاحاً به آن ماسوره نخ‌کنی یا ماسوره‌پیچی گفته می‌شود. بافت پارچه در نساجی از درگیر شدن نخ‌های تار و پود حاصل می‌شود؛ نخ‌های تار توسط پیشه‌ورانی مانند چله‌کش و گرت‌بند (وردساز یا طراح)

نساجی سنتی (پارچه‌بافی)

در گوشه پایین سمت چپ نگاره، پیشه بافت پارچه به نمایش درآمده است که در آن بافنده‌ای با لباس سبزرنگ پشت یک دستگاه نساجی کم‌عرض قرار گرفته است. نحوه بازنمایی دستگاه نساجی تا حدودی متأثر از شیوه‌های بازنمایی در نگارگری ایرانی بوده و از زاویه دید ثابتی به نمایش درنیامده است؛ به طوری که بعضی از اجزای آن از بالا و برخی دیگر از روبه‌رو دیده شده‌اند. از اجزای مشخص دستگاه نساجی در این تصویر می‌توان به وردها، شانه، پارچه‌پیچ، سازها و احتمالاً متیز اشاره کرد.

وردها از اصلی‌ترین اجزای یک دستگاه نساجی می‌باشند. تعداد وردها در دستگاه نساجی بسته به سادگی و یا شلوغی نقش‌ها متغیر می‌باشد (از ۲ تا ۱۶ ورد) (مقنی‌پور، ۱۳۸۴: ۱۰۲)؛ که در نگاره مورد نظر ظاهراً با یک دستگاه دو وردی مواجه هستیم عملکرد اصلی وردها، در تولید یک دستبافته، تقسیم بندی نخ‌های تار بر اساس الگویی منظم و از پیش مشخص شده می‌باشد. هر ورد خود از یک چارچوب چوبی یا فلزی و تعداد زیادی میل میلک تشکیل شده است. میل میلک‌ها، میله‌های فلزی باریکی هستند که در میانه آن‌ها سوراخی بیضی شکل برای عبور نخ‌های تار تعبیه شده است. در هنگام عبور نخ‌های تار از میان وردها، تعداد مشخصی از نخ‌های تار، از میان این سوراخ‌ها عبور می‌کنند و بقیه تارها آزادانه از بین میل میلک‌ها عبور داده می‌شوند که البته جزییات مربوط به میل میلک‌های ورد در نگاره مشخص نشده است. وردها از طرف بالا به وسیله قرقره و سازهایی به دستگاه متصل‌اند، این قرقره‌ها و سازها که دارای عملکردی هدایت‌کننده هستند، در قسمت‌های مختلف یک دستگاه نساجی تعبیه شده‌اند و کارکرد اصلی آن‌ها علاوه بر نگهداری چارچوب وردها، هدایت صحیح نخ‌های تار به سوی وردها می‌باشد.

بزرگ، محور کوچک نیز با سرعتی بیشتر به چرخش در می‌آید. برای انتقال نخ‌های پود در این دستگاه، نخ‌ها را به صورت حلقه‌ای بر گرداگرد چرخ می‌جوزا، بزرگ و متحرک که شکل مخروط ناقصی را دارد و بر میله‌ای عمودی سوار است، می‌پیچند. محور این چرخ بر روی یک پایه سنگی یا چوبی سنگین قرار گرفته است؛ به طوری که حرکت دورانی چرخ به راحتی امکان‌پذیر باشد. در مرحله بعد یک سرنخ را چند دور بر گرد ماسوره پیچانده و گره می‌زنند و سپس ماسوره را بر محور دوم دستگاه قرار می‌دهند و محکم می‌کنند؛ به صورتی که حرکت دورانی ماسوره همراه با حرکت میله باشد؛ حال با چرخش دسته‌ای که بر محور چرخ بزرگ دستگاه متصل است محور کوچک نیز به چرخش درآمده و در نتیجه نخ‌ها از روی چرخ مخروطی شکل مجاور دستگاه، باز و به دور ماسوره پیچیده می‌شود. در این مرحله شخص ماسوره‌پیچ، با یک دست، دسته چرخ بزرگ را به حرکت درمی‌آورد و با دست دیگر محل پیچیده شدن نخ‌ها به دور ماسوره را در طول آن کنترل می‌کند. در این نگاره دو ماسوره آماده شده نیز در کنار چرخ ماسوره نخ‌کنی قابل مشاهده است. تصاویر زیر ساختار یک دستگاه ماسوره‌پیچی را نشان می‌دهد.

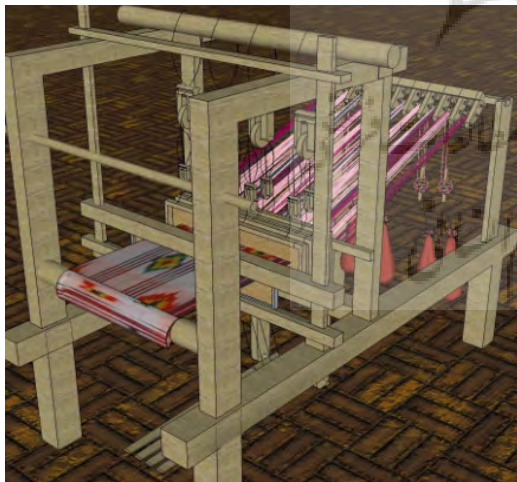


تصاویر ۴ و ۵: دستگاه ماسوره‌پیچی (نگارندگان، ۱۳۹۶).

شانه در یک دستگاه نساجی ساده، عمل کنترل و یکنواخت نمودن بافت و نیز استحکام‌بخشیدن به درگیری الیاف تار و پود را به عهده دارد و محل قرارگیری آن در دستگاه نساجی، بعد از وردها می‌باشد (تجویدی و شاکری‌راد، ۱۳۷۳: ۶۴)؛ شانه شباهت زیادی به وردها دارد؛ با این تفاوت که میل‌میلک‌های آن ساده و بدون شیار می‌باشد و چارچوب آن تنها از بالای دستگاه به وسیله قرقره و سازهایی نگهداشته می‌شوند. حرکت شانه نیز بر خلاف وردها به طرف جلو و عقب است و به وسیله دست انجام می‌گیرد. در دستگاه به تصویر درآمده در نگاره، شانه تقریباً به مانند وردها ترسیم شده است و تنها در قسمت بالای آن قطعه چوبی احتمالاً به عنوان دستگیره قرار گرفته است. از سوی دیگر این قطعه چوب اضافی می‌تواند متیذ دستگاه نیز باشد که آن وسیله‌ای چوبی و گوه مانند می‌باشد که طول آن معادل عرض پارچه است و در دو سر آن سوزن‌هایی تعبیه شده است که به دولبه پارچه بافته‌شده فرو می‌رود و عرض آن را یکنواخت نگه می‌دارد. هم‌چنین غلطک یا پارچه‌پیچ، چوب یا فلزی استوانه‌ای شکل می‌باشد که در قسمت زیرین دستگاه و در جلو بافنده قرار گرفته است و پارچه بافته‌شده به دور آن پیچیده می‌شود که در این نگاره به وضوح قابل شناسایی می‌باشد.



تصویر ۶: دستگاه نساجی تصویر شده در نگاره پادشاهی جمشید (حسینی‌راد، ۱۳۸۴: ۴۲).



تصویر ۸: ساختار یک دستگاه نساجی (نگارندگان، ۱۳۹۳).

خیاطی

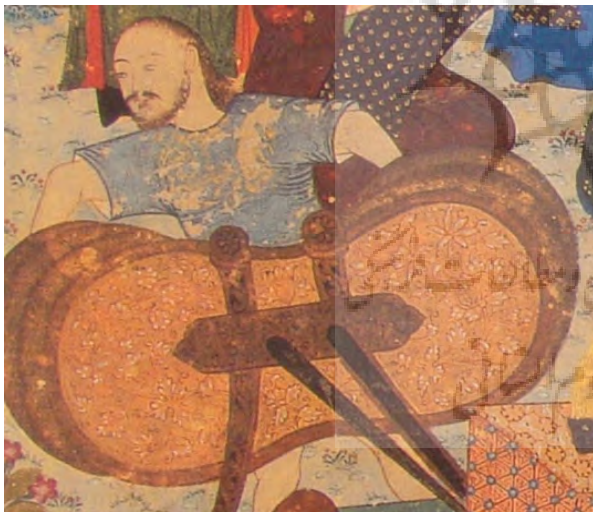
خیاطی و دوخت پارچه از دیگر پیشه‌های به نمایش درآمده در نگاره پادشاهی جمشید می‌باشد که در آن دو نفر که در

نکته قابل ملاحظه در نگاره فوق، ساده‌بودن سازه‌های نگهدارنده دستگاه می‌باشد که به شکل دو تکه چوب تصویر شده‌اند؛ چوب‌هایی که خود به طناب‌هایی متصل هستند و حرکت متعادل و آزادانه آن‌ها به طرف بالا و پایین، حرکت آزادانه وردها را میسر می‌سازد. این نوع ساز امروزه نیز در کارگاه‌های عبابافی منطقه نائین قابل مشاهده می‌باشد.



تصویر ۷: دستگاه نساجی مخصوص عبابافی، روستای محمدیه نائین (سایت میراث فرهنگی اصفهان، ۱۳۹۶).

ابزارهایی مانند پتک، چکش و انبر. دم کوره آهنگری تصویر شده، از نوع دودم می‌باشد که مخصوص کوره‌های آهنگری نسبتاً بزرگ می‌باشد و گاه از این نوع دم برای کوره‌های ذوب فلزات نیز استفاده می‌شود (گلاک و گلاک، ۱۳۵۵: ۱۵۱). ساختار کلی دم کوره از تخته‌های چوبی تشکیل شده‌است که با چرم به یکدیگر وصل شده‌اند. چرم مصرفی در دم‌سازی، از نوع چرم مرغوب می‌باشد. چرم‌ها که به اندازه معین بریده شده‌اند و به دقت به آن‌ها چین داده شده است بر روی تخته‌های مخصوص که به شکل سرو بریده شده‌اند، چسبانده می‌شوند و دورتادور آن را با تسمه‌های فلزی می‌پوشانند. در دم‌های دودم دو لوله فلزی که حالتی مخروطی دارند (یک دهانه آن کوچک‌تر از دهانه دیگر است) کار انتقال هوای تولیدشده توسط دم را به کوره انجام می‌دهند. در کنار محل اتصال لوله‌ها به تخته دم شیرهایی (به اصطلاح دروارچه) برای کنترل فشار هوا و نیز هواگیری دم تعبیه شده است. این شیرها چوبی است و دارای لولاهایی چرمی می‌باشد (وولف، ۱۳۷۲: ۴۶).



تصویر شماره ۱۱. دم کوره آهنگری، تصویر شده در نگاره پادشاهی جمشید (حسینی‌راد، ۱۳۸۴: ۴۲).

در تصویر زیر می‌توان نمونه‌ای واقعی و بسیار مشابه به دم تصویر شده در نگاره را مشاهده نمود که چندین دهه پیش هم‌چنان استفاده از آن در ایران رایج بوده است.

سمت راست پادشاه قرار گرفته‌اند بدان مشغولند. یکی در حال اندازه‌زنی و برش پارچه و دیگری در حال دواخت و سوزن‌زدن تصویر شده‌اند. یکی از ساده‌ترین پیشه‌های تصویر شده در این نگاره مربوط به سوزن‌نخ کردن می‌باشد و آن مربوط به جوانکی است که با لباسی آبی‌رنگ در سمت راست پادشاه و کنار استاد خیاط قرار گرفته است که البته می‌تواند بیان‌کننده یکی از وظایف شاگرد خیاط در عصر تیموریان باشد. از ابزارهای قابل مشاهده این پیشه می‌توان به قیچی یا مقراض و یک ابزار اندازه‌گیری اشاره داشت که بر روی آن فواصلی مساوی به رنگی دیگر مشخص شده‌است.



تصویر ۹ و ۱۰: حرفه خیاطی و ابزارهای مرتبط با آن؛ تصویر شده در نگاره پادشاهی جمشید (حسینی‌راد، ۱۳۸۴: ۴۲).

آهنگری

با دقت در نگاره پادشاهی جمشید، به راحتی می‌توان تجهیزات اصلی یک کارگاه آهنگری را مشاهده نمود که عبارتند از: کوره آهنگری به همراه دم آن، مخزن آب، سندان با زیر سندان و



تصویر ۱۳: هنر مفتول کوبی، تصویر شده در نگاره پادشاهی جمشید (حسینی‌راد، ۱۳۸۴: ۴۲).



تصویر ۱۲: دم کوره آهنگری (وولف، ۱۳۷۲: ۱۴).

مفتول کوبی در مجموع دو مرحله دارد که در مرحله نخست بر طبق طرح مشخصی، شیارهایی مایل بر روی سطح فلز حک می‌شود و در مرحله بعد به وسیله مفتول‌های فلزی به رنگ و جنسی متفاوت داخل آن شیارها پر می‌شود. مایل بودن شیارها، از بیرون آمدن مفتول‌ها جلوگیری می‌کند (آشوری، ۱۳۸۰: ۷۲). در تصویر، شخص سمت راست در حال حک نمودن شیارها است و شخص کنار او که با لباسی آبی‌رنگ ظاهر شده است در حال کوبیدن مفتول‌ها می‌باشد. از نکات قابل توجه در این نگاره، به تصویر درآمدن دو نمونه قیچی با کارکردهای متفاوت است، یکی مربوط به پیشه خیاطی و بریدن پارچه و دیگری مربوط به حرفه فلزکاری و بریدن فلز که در کنار استاد مفتول کوب قرار دارد و هنرمند نگارگر در فضای محدود خود تمایز فرمی و کارکردی این دو قیچی را به زیبایی به نمایش گذاشته است.

از دیگر تجهیزات مرتبط با کارگاه آهنگری می‌توان به خود کوره و سندان و پایه سندان چوبی آن و مخزن آب اشاره کرد که البته ظاهر کوره و مخزن آب به فراخور ویژگی‌های نگارگری ایرانی به شکلی تزئینی به نمایش درآمده است.

مفتول کوبی

از هنرهای خاصی که در این نگاره به تصویر درآمده است، مفتول کوبی یا زرکوبی می‌باشد که در گذشته برای تزئین علم، ابزارها و به ویژه ابزارها و تجهیزات ویژه جنگ کاربرد داشت (تسلیمی و دیگران، ۱۳۸۷: ۱۵۱)، در نگاره فوق نیز در کنار این پیشه‌وران مفتول کوب، زره و کلاهی قابل مشاهده است.



تصویر ۱۴: انواع قیچی‌ها و انبرهای به نمایش درآمده در نگاره با کارکردهای متفاوت (حسینی‌راد، ۱۳۸۴: ۴۲).

نتیجه‌گیری

نگارگری ایرانی جدا از جنبه‌های فرمی و زیبایی‌شناختی آن، بارها توسط پژوهشگران به عنوان یک منبع اطلاعاتی و آگاهی‌بخش مورد استناد قرار گرفته است که به عنوان نمونه می‌توان به بازشناسی طرح و رنگ بسیاری از زیراندازها، نوع پوشش و البسه و تزیینات و شیوه‌ها و متعلقات معماری در دوره‌های مختلف اشاره کرد. در این مقاله نیز با هدف بازشناسی فنون و ابزارهای مرتبط با بعضی حرف رایج در دوران تیموری، نگاره «پادشاهی جمشید» از مجموعه شاهنامه بایسنقری مربوط به سال ۸۳۳ هجری قمری مورد مطالعه قرار گرفت. در نگاره مذکور تعدادی از پیشه‌های رایج زمان خلق اثر تصویر شده‌اند که برخی از این پیشه‌ها و فناوری‌های متعلق به آن‌ها، با جزئیات دقیقی به قلم درآمده‌اند.

پیشه‌ها و فن‌آوری‌ها و ابزارهای به نمایش درآمده در این نگاره را می‌توان بر مبنای ماهیت حرفه و نوع مواد اولیه مصرفی به دو دسته، پیشه‌های مرتبط با بافت و دوخت پارچه و موارد مرتبط با شکل‌دهی و تزیین فلزات طبقه‌بندی نمود که دسته اول شامل، نخ‌ریسی، آماده‌سازی الیاف پود، بافت پارچه و در نهایت برش و دوخت پارچه می‌شود و در دسته دیگر می‌توان به پیشه‌های آهنگری و مفتول‌کوبی اشاره کرد در هر یک از این دسته‌ها هنرمند سعی کرده‌است تا فرایند آماده‌سازی یک اثر را نمایش دهد. بر همین مبنا در نساجی، هنرمند کار خود را از آماده‌نموده الیاف آغاز نموده و سپس به سراغ بافت پارچه و در نهایت دوخت لباس رفته‌است و در فلزکاری، مراحل آماده‌سازی فلز در کوره و تزیین این فلز با هنر مفتول‌کوبی به نمایش درآمده است. از دیگر نکات قابل تأمل در این مطالعه می‌توان به تغییرات اندک دستگاه‌های نساجی به‌ویژه در قسمت سازها و قرقره‌ها، نسبت به دستگاه‌های متأخر اشاره کرد. هم‌چنین رایج‌بودن هنر مفتول‌کوبی به ویژه برای تزیین زره و سایر البسه و تجهیزات جنگی در زمان تیموری از دیگر موارد حائز اهمیت می‌باشد. جزییات به نمایش درآمده در برخی ابزارها، تصویر دقیقی از فرم و حتی کاربری آن ابزار به ما ارائه می‌دهد که از جمله آن‌ها می‌توان به وسیله اندازه‌گیری در پیشه خیاطی، دو نوع قیچی (برای برش پارچه و فلز) و انبر اشاره کرد. برخی وسایل

و فناوری‌های به نمایش درآمده در این نگاره، تغییر چندانی با نمونه‌های اخیر خود که تا دهه‌های پیش استفاده از آن‌ها رایج بود نداشته‌اند که از آن جمله می‌توان به کوره آهنگری و دم آن و نیز چرخ ماسوره‌پیچی یا ماسوره‌نخ‌کنی اشاره کرد.

فهرست منابع

- آرام‌نیا، سارا. (۱۳۹۴). «مطالعه هنرهای چوبی رایج در دوران صفوی بر مبنای نگاره‌های شاهنامه شاه طهماسبی»، پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد پژوهش هنر، دانشگاه علم و هنر یزد.
- آشوری، محمدتقی. (۱۳۸۰). *آشنایی با صنایع دستی ایران ۱*. تهران: شرکت چاپ و نشر کتاب‌های درسی ایران.
- تجویدی، زهرا؛ شاکری‌راد، محمدعلی. (۱۳۷۳). *آشنایی با هنرهای سنتی*. تهران: انتشارات پیام نور.
- تسلیمی، نصراله؛ نکویی، مجید و دیگران. (۱۳۸۷). *آشنایی با صنایع دستی ایران ۱*. تهران: شرکت چاپ و نشر کتاب‌های درسی ایران.
- پاکباز، رویین. (۱۳۸۸). *نقاشی ایرانی از دیرباز تا کنون*. تهران: زرین و سیمین.
- حضور، علی. (۱۳۷۶). *فرش بر مینیاتور*. تهران: فرهنگان.
- سلطان‌زاده، حسین. (۱۳۸۷). *فضاهای معماری و شهری در نگارگری ایرانی*. تهران: چارطاق.
- حسینی‌راد، عبدالمجید. (۱۳۸۴). *شاهکارهای نگارگری ایران*. تهران: موزه هنرهای معاصر.
- گلاک، جی؛ گلاک، سومی هیراموتو. (۱۳۵۵). *سیری در صنایع دستی ایران*. تهران: انتشارات بانک ملی.
- مجابی، علی؛ فنایی، زهرا. (۱۳۸۹). «صناعت دستریسی در نگارگری ایران سده نهم تا یازدهم»، *گلجام*، شماره ۱۵: ۱۲۷-۱۴۸.
- مقنی‌پور، مجیدرضا. (۱۳۸۴). «معرفی حرف کهن شهر یزد (دستبافته‌ها) و بررسی وضعیت آن‌ها در دوران گذار اجتماعی»، پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد، دانشگاه هنر تهران.
- وولف، هانس ای. (۱۳۷۲). *صنایع دستی کهن ایران*. مترجم: سیروس ابراهیم‌زاده. تهران: انتشارات آموزش انقلاب اسلامی.

Painting of Professions in Iranian Art (Investigation of Professions Represented in the Paintings of Jamshid Monarchy from the Collection of Shahnameh Baisenqiri)*

Majid Reza Moghanipour¹, Ashkan Rahmani²

1- Department of Art , Faculty of Art & Architecture , Shiraz University (Corresponding Author)

2- Department of Art , Faculty of Art & Architecture , Shiraz University

Abstract

The study of various works and handmade in Iran leads us to the conclusion that many of the traditional professions and techniques of Iran have an ancient background in this land. But today, for a variety of reasons, there is less detailed written information on the technology and methods of producing these products in the past. For this reason, the use of indirect documents and resources sometimes provides useful information. In this regard, Iranian painting, apart from its formal and aesthetic aspects, has been repeatedly referred to by the researchers as a source of information and awareness. Some examples are the recognition of the design and color of many carpets, the type of cover, the cloth, decorations and architectural accessories in different periods. In this article, in order to recognize the techniques and tools associated with some of the common occupations of this land in the past, especially during the Timurid period, the painting "The Kingdom of Jamshid was seven hundred years old." has been studied from the collection of Shahnameh Baisenqiri related to 833 AH. The professions displayed in this painting, along with the tools and technologies associated with each profession, have been studied. The research method is descriptive-analytical and the required data is gathered through library and documentary resources.

Key words: Profession, Shahnameh Baisenqiri, Traditional Textiles, Blacksmithing, Wire Forming.

1- Email: moghanipour@shirazu.ac.ir

2- Email: rahmani.ashkan@shirazu.ac.ir